وقتی تقریب مذاهب به سرمایه امنیتی جهان اسلام تبدیل می‌شود



تحولات اخیر جهان اسلام، به‌ویژه در بستر منازعات امنیتی و فشارهای فزاینده بیرونی، نشان می‌دهد که مسئله تقریب مذاهب دیگر صرفاً یک دغدغه فکری یا توصیه اخلاقی نیست، بلکه به یکی از مؤلفه‌های بنیادین امنیت پایدار در جوامع اسلامی تبدیل شده است. تجربه جنگ تحمیلی دوازده‌روزه علیه جمهوری اسلامی ایران، در این چارچوب، واجد دلالت‌هایی فراتر از یک رویارویی نظامی است و می‌توان آن را آزمونی عینی برای سنجش کارآمدی گفتمان تقریب در شرایط بحران تلقی کرد.

در این تجربه، آنچه اهمیت راهبردی دارد، ناتوانی دشمن در فعال‌سازی شکاف‌های مذهبی و قومی در داخل ایران است. این ناکامی، برخلاف برخی تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه، نتیجه کنترل امنیتی صرف نبود، بلکه محصول نوعی «سرمایه اجتماعی مذهبی» بود که در طول سال‌ها و در سایه نهادینه‌شدن نسبی گفتمان وحدت شکل گرفته است. ایستادگی مشترک شیعه و اهل‌سنت و همراهی اقوام مختلف ایرانی نشان داد که تقریب، هنگامی که به یک هنجار اجتماعی تبدیل شود، می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در برابر جنگ‌های ترکیبی و شناختی ایفا کند.

سخنان دکتر حمید شهریاری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در همایش «جایگاه‌شناسی تقریب مذاهب در شرایط کنونی» را می‌توان تبیین نظری همین واقعیت میدانی دانست. تأکید ایشان بر بلوغ فکری و رشادت معرفتی جوامع اسلامی، ناظر به گذار تدریجی از «هویت‌های تقابلی» به «هویت‌های هم‌افزا» است؛ گذاری که در آن، اختلافات مذهبی از ابزار تعارض به موضوع گفت‌وگو و تفاهم علمی تبدیل می‌شود.

از منظر مطالعات جهان اسلام، تقریب مذاهب واجد سه کارکرد کلیدی است: نخست، کارکرد هویتی، به‌معنای بازتعریف رابطه مذاهب در چارچوب امت اسلامی؛ دوم، کارکرد امنیتی، به‌معنای کاهش آسیب‌پذیری جوامع اسلامی در برابر پروژه‌های تفرقه‌افکنانه؛ و سوم، کارکرد تمدنی، به‌معنای فراهم‌سازی بستر همکاری برای مواجهه با چالش‌های مشترک جهان اسلام. تجربه ایران در بحران اخیر نشان می‌دهد که این سه کارکرد، نه‌تنها قابل جمع‌اند، بلکه در عمل یکدیگر را تقویت می‌کنند.

در این میان، تأکید همایش بر «گفتمان حقیقت» نیز واجد اهمیت تحلیلی است. حقیقت‌محوری در تقریب، به‌معنای چشم‌پوشی از تفاوت‌های اعتقادی نیست، بلکه ناظر به مدیریت علمی اختلافات در فضایی عاری از تکفیر و تخریب است. این رویکرد، امکان گفت‌وگوی صریح مذهبی را فراهم می‌کند و مانع از آن می‌شود که اختلافات فقهی و کلامی به بحران‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل شوند. به بیان دیگر، گفتمان حقیقت، شرط لازم برای عبور تقریب از سطح همزیستی منفعل به مرحله همکاری فعال است.

اقدامات نهادی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، به‌ویژه برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای در مناطق دارای تنوع قومی و مذهبی، را باید مصداقی از «کاربست نهادی تقریب» دانست. این اقدامات نشان می‌دهد که تقریب، زمانی به ثبات می‌رسد که از سطح توصیه‌های کلی عبور کرده و در قالب سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی پیاده‌سازی شود. حضور مستقیم در میدان‌های اجتماعی متکثر، امکان تولید اعتماد متقابل و کاهش سوءظن‌های تاریخی را فراهم می‌کند.

نشانه مهم تغییر موازنه گفتمانی در جهان اسلام، چرخش جریان‌هایی است که در گذشته بر ادبیات تکفیر تأکید داشتند و امروز به ادبیات وحدت‌محور روی آورده‌اند. این تحول را می‌توان نتیجه فشار افکار عمومی اسلامی، ناکارآمدی گفتمان تکفیر در حل مسائل واقعی امت و نیز تقویت تدریجی گفتمان تقریب دانست. گسترش این روند در کشورهایی چون مصر، عربستان سعودی و ترکیه، بیانگر آن است که تقریب در حال تبدیل شدن به یک مطالبه اجتماعی و نه صرفاً نخبگانی است.

در جمع‌بندی می‌توان گفت تجربه اخیر ایران و تحلیل‌های ارائه‌شده در این همایش علمی، نشان می‌دهد که تقریب مذاهب، اگر به‌درستی فهم و به‌صورت نهادی و راهبردی اجرا شود، می‌تواند به یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت تعارضات هویتی در جهان اسلام تبدیل شود. آینده گفتمان تقریب، نه در تکرار شعارهای وحدت، بلکه در پیوند هوشمندانه میان تحلیل نظری، تجربه میدانی و سیاست‌گذاری عملی رقم خواهد خورد؛ مسیری که امروز بیش از هر زمان دیگری، پیش‌روی جهان اسلام قرار دارد.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب